

نظم بر جهان عرب حکم فرماست / ژیلبراشکار / ترجمه‌ی سودابه رخس

آغاز این سال نو میلادی در جهان عرب بسیار شبیه سال قبل بود. سال 2018 در مراکش، تونس، اردن و سودان با آشوب اجتماعی و تظاهرات آغاز شد. حتی به نظر می‌رسد ایران هم به قافله‌ی خیزش‌های عرب‌پیوست. یک سال بعد، در آغاز 2019، زلزله‌ی اجتماعی همچنان جهان عرب را می‌لرزاند، منطقه‌ای که مشخصه‌اش آتش‌فشان‌های استراکم بالا، چه آتش‌فشان‌های فعالی که شعله‌ورند و چه آتش‌فشان‌های غیرفعال که هر لحظه آماده‌ی فوران‌اند.

تونس، کانون زلزله‌ی بزرگی که 17 دسامبر 2010 در شهر سیدی بوزید در مرکز فقیرنشین این کشور آغاز شد - کشور آغازکننده‌ی بهار عربی، هیجان‌انگیزترین فصل تاریخ مدرن جهان عرب (تا زمان «بهار» بعدی) - همچنان درگیر انفجاری در پانفجار دیگر است همین‌اواخر خیزش‌حلی در شهر قصرین، در همان منطقه مرکزی فقیرنشین، بالا گرفت و به مناطق دیگری در مجاورت دو شهر اصلی تونس و صفاقس رسید.

در سودان، که مردمش همان ابتدای 2011 به بهار عربی پیوستند و رژیم خودکامه‌ی عمر البشیره شدت آن‌ها را سرکوب کرد، جنبش مردمی پیگیرانه بارها و بارها به وضعیت تهاجمی بازگشته است. جنبش مردمی همچون دریایی توفانی که امواج عظیم آن به دیوارهای زندانی‌بزرگ ضربه می‌زند، به تدریج گسترده‌تر می‌شود و آنقدر ضربه می‌زند تا روزی که زندان باستیل سودان فروریزد - روزی که ناگزیر از راه می‌رسد، حتی اگر «برادران» خودکامه‌ی سودان در پادشاهی‌های خلیج فارس با تمام توان برای نجات عمر البشیره کوشند.

حال «رژیم کهن جهان عرب» دوباره گردهم می‌آید، نیروهای ضدانقلابی منطقه از نو متحد می‌شوند، و بر اختلافات فرقه‌ای مذهب‌افق می‌آیند، همان اختلافاتی که زمانی از آن بهره گرفته بودند تا بهار عربی از راه دموکراسی و برابری اجتماعی منحرف کنند و به باتلاق چرکین نفرت‌پراکنی فرقه‌ای بکشاند. چه تصادف گویایی، همان مردی که پیش از همه بار دیگر آغوشش را به روی بشار اسد گشود - نماد سوری نظم مستبدی که در برابر موج انقلاب‌فرآگیری ایستاد که هشت سال پیش از تونس آغاز شد - کسی نیست جز سردسته‌ی ضعیف‌ترین حلقه‌ی کنونی زنجیر رژیم‌های عرب: شخص شخیص عمر البشیره، که اواخر سال گذشته سفری غیرمنتظره به دمشق داشت.

باز هم چه تصادف گویایی که یکی از رژیم‌های پیشگام در برگرداندن دولت دمشق به طویله‌ی متعفن رژیم‌های خودکامه عربی طویله‌ای که دمشق چند صباحی از آن بیرون رانده شد، آن هم به جهت همگرایی تناقض‌آمیز تقلاهای دمشق با تقلاهای «برادرانش» برای غرق کردن انقلاب سوریه در آب‌های گل‌آلود فرقه‌گرایی - کشوری نیست جز پادشاهی بحرین، نسخه‌ی بدل ضدانقلابی رژیم سوریه. هم دمشق و هم منامه از فرقه‌گرایی بهره بردند تا قدرت خود را تحکیم کنند، هرچند فرقه‌ی اقلیت حاکم در یکی همان فرقه‌ی اکثریت در دیگری است و برعکس. رژیم‌های سوریه و بحرین هر دو با مداخله‌ی خارجی خیزش عربی‌جان سالم به در بردند، گرچه اولی را پادشاهی سعودی نجات داد و دومی را... ایران، دشمن قسم‌خورده سعودی‌ها، در همکاری با روسیه‌ی نوتزاری

حال رژیم‌های عرب سخت مشغول بهبود پیوندهای ازهم‌گسسته‌ی خود و مهیای اجلاس اتحادیه‌ی عرب برای آشتی‌ها هم هستند. آن‌ها نفس عمیق می‌کشند، و به خودشان تلقین می‌کنند که انقلاب عربی مرده و نظم سرکوبگر عادی بازگشته است. کار آنها ما را به یاد کلمات رسای رهبرو متفکر بزرگ انقلابی، رزا لوکزامبورگ، می‌اندازد. آن زمان که رژیم‌های ارتجاعی اروپا پنا شکست موج انقلابی که پس از جنگ جهانی اول این قاره را در نوردید، نفس عمیق می‌کشیدند و قوت قلب خویش را باز می‌یافتند، یعنی درست یک قرن پیش، در 14 ژانویه 1919، رزا یک روز پیش از آنکه تبهکاران ضدانقلابی در برلین او

را ترور کنند، این کلمات رسا را نوشت: «نظم بر ورشو حاکم است!» «نظم بر پاریس حاکم است!» «نظم بر برلین حاکم است!» این است آنچه هر نیم قرن یکبار خبرنامه‌های حافظان «نظم» از کانون یک پیکار تاریخی جهانی تا کانون بعدی جار می‌زنند.

گوی امروز پژواک این خبرنامه‌های فاتحانه را از زبان حافظان «نظم» عربی شنویم «نظم بر منامه حاکم است!» «نظم بر دمشق حاکم است!» «نظم بر قاهره حاکم است!» «این جاست که حرف گزنده رزا از راه می‌رسد: «و این «فاتحان» سرمست نمی‌فهمند هر «نظم»ی که برای بقای خویش مدام دست به کشتار خونین بزند سرنوشت تاریخی‌ناگزیرش چیزی نیست جز مرگ». حاکمان عرب هم به همین ترتیب نمی‌فهمند «نظم» خودکامه‌شان، که دوامش در گرو قتل و کشتار است، دست آخر محکوم به فروپاشیست

هرقدر هم آن‌ها سخت بکوشند به خودشان تلقین کنند «نظم» خودکامه‌شان به حالت عادی بازگشته، نمی‌توانند غوغای انقلابی کنونی را خاموش کنند، غوغایی که امروز از تونس و سودان به پا خاسته، و فردا به قاهره و دمشق می‌رسد زیرا چیزی که هشت سال پیش در تونس آغاز شد به راستی فرایند انقلابی درازمدتی بود که تا وقتی «رژیم کهن عرب» همچنان پابرجاست از پا نمی‌ایستد. امروز در تونس یا سودان، و بالقوه در همه‌ی کشورهای منطقه، «انقلاب هنوز در میدان است!». چنان که شورشیان جوان مصر پیش از آنکه با سرکوب سبعانه موقتاً ساکت شوند این شعار را فریاد می‌زدند. «انقلاب هنوز در میدان است!» تا انفجار بعدی که ناگزیر از راه می‌رسد

منبع:

Gilbert Aschcar, [Order Prevails in the Arab World](#)

برای مطالعه‌ی مجموعه مقالات سایت نقد اقتصاد سیاسی درباره‌ی بهار عربی پیوند زیر مراجعه فرمایید

[بهار عربی در سایت نقد اقتصاد سیاسی](#)

برای آشنایی پیش‌تر با دیدگاه‌های ژیلبراشکار به پیوند زیر مراجعه فرمایید

[ژیلبر اشکار در سایت نقد اقتصاد سیاسی](#)